



## در سال‌های ۱۸۸۶ - ۱۸۷۷

هر چند از سفرنامه سیاحان غربی، خاطرات ایام جوانی ناسیونالیست‌های عرب و نیز گزارش‌های دیپلماتیک، تا حدی می‌توان به درک و دریافتی از ماهیت حکومت عثمانی در ایالات عربی رسید، اما تا کنون کار زیادی در این باره صورت نگرفته است.

ولایت حجاز بیشترین اهمیت را برای سلطان - خلیفه - عثمانی دارا بود و البته این اهمیت نه به خاطر برخورداری حجاز از زمین‌های حاصل‌خیز و نه بخاطر مجاورت با نواحی اصلی دنیای تجارت، که برای خلیفه عثمانی نیز منافی را به ارمغان می‌آورد بود که به دلیل داشتن ماهیت مذهبی مؤثر، که حکمرانی عثمانی را در منطقه و جاهتی می‌بخشیده و اهمیت بسزایی را بر جای می‌گذاشته بوده است.

کنترل سیاسی حجاز، مشترکاً به دست والی عثمانی و حاکم یا امیر - شخصی از تبار حضرت رسول اکرم (ص) - قرار داشت. بیشتر وقت‌ها تعادل میان والی و امیر، بنا بر دلایلی چون ارتباط هر کدام از طرفین با سلطان، توانایی شخصی و رابطه خویشی امیر با رؤسای قبایل بادیه نشین، به هم می‌خورد و حتی گاهی، کبر سن نیز در شکل‌گیری برخی تصمیمات نقش داشت.

وقتی دوران طولانی تصدی امیر عبدالله پاشا محمد بن عون (۱۸۷۷-۱۸۵۷) سپری شد، دوره‌ای از تغییرات سریع سیاسی آغاز گردید. در مدت پنج سال، سه امیر جدید، به نام‌های؛ حسین بن محمد بن عون (۱۸۸۰-۱۸۷۷) عبدالمطلب بن قالب (۱۸۸۲-۱۸۸۰) و عون الرفیق محمد بن عون (۱۹۰۵-۱۸۸۲)، از پی هم آمدند و رفتند.

البته والیان نیز مصون از این تغییرات نبودند و حتی گاهی دوران تصدی آن‌ها کوتاه‌تر از امران نیز بوده، به گونه‌ای که از سال ۱۸۵۷ تا ۱۸۸۲ پانزده والی، یکی پس از هم جای خود را به دیگری دادند؛ به عبارتی، هر یک سال و شش ماه، یک والی جدید منصوب می‌شد.

آگاهی‌های پراکنده به دست آمده، نشان می‌دهد، بی‌ثباتی سال‌های ۱۸۷۷ تا ۱۸۸۲ و نزاع‌های برتری‌جویانه میان امیر عون الرفیق و والی عثمانی، عثمان نوری پاشا، که تا سال ۱۸۸۶ به طول انجامید، هیچ‌کدام نتوانست روابط اقتصادی عثمانی را با ولایت حجاز به تیرگی بکشاند.

به نظر می‌آید که کمک‌های مالی و یارانه‌های دولت عثمانی به حجاز، موجب شده بود که این ایالت به یک خود مختاری درونی برسد، با این حال، اهمیت مذهبی حجاز مانع از وارد آوردن فشار اقتصادی در جهت مقاصد سیاسی می‌شد. دولت عثمانی مالیات کمی را برای حجاز مقرر کرده بود و با کمک‌های دیگرش، این ولایت را به ممتازترین و ثروتمندترین ایالت منطقه بدل نمود.<sup>۱</sup> البته حجاز نه تنها از عثمانی که از مصر، دولت مسلمانان هند و تمام مسلمانان جهان کمک‌های مالی و هدیه دریافت می‌کرد.<sup>۲</sup>

ماهیت روابط اقتصادی حجاز و دولت عثمانی در دفاتر بایگانی و اسناد ایالت، قابل تحقیق و تفحص است. بودجه ولایت و مکه، مخارج سور (هدیه‌های سالیانه‌ای که به سلطان اعطا می‌شد) و شهادتنامه (وجوه پرداختی برای توصیه‌نامه‌ها) و همچنین ترمیم سیستم آبرسانی

مکه، گویای برخی از منافع عثمانی در حجاز است.

هرچند که هزینه‌های به دست آمده، در دفاتر ثبتی مشخص شده است، اما باید در نظر داشت که این اظهار نامه‌های مالی رسمی، گویای تمام واقعیت نیستند؛ چرا که راه‌های در آمدی دیگر، مانند درآمدهای حاصله از ارباب و اخافه (اخاذی)، هزینه‌های خدمات ویژه و مالیات بر در آمد اجاره بهای شتر نیز وجود داشت که غیر رسمی بودند و در جایی به ثبت نمی‌رسیدند.<sup>۳</sup>

### بودجه ولایت و مکه در دفاتر مالیه سال ۱۳۰۰

در مالیه ۱۳۰۰، جمع در آمد منطقه حجاز در سال ۵-۱۸۸۴ مبلغی برابر با ۲۵/۵۱۸/۹۰۵ کروس (ک) بر آورد شده بود که تنها ۱/۵۳۳/۶۳۴ ک. آن از عواید محلی به دست آمده بود و بقیه، که مبلغی نزدیک به ۲۳/۹۸۴/۹۷۱ ک. بود را، خزانه داری عثمانی تأمین می‌کرد. به عبارتی دیگر، مالیات‌های محلی جدا از عوارض گمرکی، حتی کفاف مخارج ولایت را هم نمی‌داد.<sup>۴</sup> با مقایسه در آمد محلی مکه (۶۴/۲۴۱ ک)، با جمع بودجه سالانه‌اش (۵/۳۹۲/۲۷۸ ک.)، در می‌یابیم که این در آمد محلی، حتی کمتر از آن استان می‌باشد.

منبع در آمد محلی مکه، اجاره بهای اوقاف بود نه مالیات بر در آمد اشخاص یا مالیات بر املاک. البته دولت مصر منبع دیگری برای در آمد مکه بود. این دولت ۱۲۰۰۰ ارب گندم به ارزش ۱/۲۰۲/۵۰۰ ک. را برای مکه تأمین می‌کرد. اما بیشتر بار هزینه‌های مکه بر دوش دولت مرکزی عثمانی بود. دولت عثمانی یک سوم پارانه را از خزانه اوقاف و بقیه را از محل اعتبارات خزانه مرکزی تأمین می‌کرد.<sup>۵</sup>

در مناطق حاشیه‌ای؛ مانند حجاز، امنیت امپراتوری - خلافت عثمانی - با حفظ تفوق نظامی در برابر مراکز قدرت و دول خارجی و همچنین قبایل کوچ رو تأمین میشد؛ معهدا سلطان، بخشی از هزینه‌ها را برای تأمین امنیت حجاز اختصاص داده بود. امنیت داخلی نیز با اتکا بر وفاداری خلل ناپذیر مسلمانان عثمانی تأمین می‌شد و دولت نیز با اهدای هدایا به افراد پرهیزگار و علمای شهرهای مقدس، احساس وفاداری آن‌ها را تقویت می‌نمود.

هزینه‌های ولایت حجاز گواه بر اختصاص بیشترین بخش بودجه؛ یعنی رقمی معادل ۱۴/۴۷۱/۶۳۴ ک. به ارگان‌های نظامی و انتظامی و نیروی دریایی است.<sup>۶</sup>

هزینه‌های مربوط به زیارت، در درجه دوم اهمیت قرار داشت که باز بخشی از همین بودجه نیز در ارگان‌های نظامی و انتظامی به جهت تأمین امنیت زائران در برابر یورش بادیه‌نشینان هزینه می‌شد. مبلغی را نیز به بادیه‌نشینان پرداخت می‌کردند، هر چند با این مبلغ امنیت زوار ابتیاع نمی‌شد ولی در آمدی کافی به آنها می‌داد که موجب می‌شد به مناطق تحت الحفظ عثمانی در حجاز کمتر یورش ببرند.

تقریباً مبلغی حدود ۵/۰۰۰/۰۰۰ ک. صرف هدایای سالیانه سلطان به منظور مصارف مذهبی، دریافت محمل و پرداخت به بادیه‌نشینان می‌شد.<sup>۷</sup>

میزان هدایا و مستمری‌های اشراف، سادات و علما، برابر با ۱/۷۷۶/۶۸۸ ک. بود و همچنین مواد غذایی، حبوبات و غلات به ارزش ۲/۵۵۵/۸۹۱ ک. در مکه، مدینه و جده توزیع می‌شد<sup>۸</sup> و کمتر از ۱/۷۳۰/۰۰۰ ک. که بخش اندکی از بودجه بود، صرف دستمزدها و حقوق کارمندان دولتی و شهری می‌شد.<sup>۹</sup> یاران‌های عثمانی در حجاز بیشتر به شکل پول نقد یا برات و حواله توزیع می‌شد، اما تقریباً نزدیک به یک چهارم کل بودجه ۲۵/۵ میلیون کروی، به صورت جنسی و در شکل مواد غذایی ارائه می‌گردید.

سه فقره از بزرگترین مخارج مکه مبالغ پرداختی به اشراف و سادات (۱/۵۴۴/۰۶۴ ک.)، گندم ابتیاع شده از مصر (۱/۲۰۲/۵۰۰ ک.) و حقوق کارکنان کعبه (۸۳۴/۶۰۹ ک.) بود که این مبالغ دو ثلث تمام مخارج را در بر می‌گرفت. بخش زیادی از بودجه ولایت، به کمک و صدقه به افراد مستمند اختصاص داده شده بود. این مبالغ و هزینه‌ها، چنانکه پیش‌تر اشاره شد، شاهی است بر وابستگی اقتصادی ولایت حجاز به باب عالی عثمانی.

### مخارج سور و اصلاحات آن

در اواسط سال ۱۸۸۰<sup>۱۰</sup> و جوهی که عثمانی به حجاز فرستاد، برابر با ۲۶/۵۳۶/۶۹۲ ک. بود که برای سور و بقیه آن در ولایت صرف شد. ۸/۰۳۹/۸۸۹ ک. در دفتر مالیه ۱۳۰۰، که از بودجه حجاز ترتیب داده شده، تمامی ارقامی که برای سور

منظور شده‌اند و نوع و محل خرج و جوه به تفصیل آمده است.

از محل اعتباراتی که برای سور در نظر گرفته شده بود، حدود ۲/۹۰۰/۰۰۰ ک. آن در شهرهای مقدس هزینه شدند که ۹۸۴/۹۰۸ ک. سهم مکه و ۱/۹۲۲/۳۷۳ سهم مدینه شد. در واقع این مبالغ سه برابر دریافت‌های گذشته بود.<sup>۱۱</sup> آرایش جدید رده‌های پرداختی به گروه‌های دریافت‌کننده منابع پولی به سبب اهمیت مشاغل افرادی بود که در کعبه، آرامگاه حضرت پیامبر اکرم (ص) و مسجد النبی مشغول به خدمتگزاری بودند.

نزدیک به نیمی از جمع اعتبارات سور را به صورت کمک‌های نقدی و غیر نقدی، مستقیم یا غیر مستقیم، به مقامات مسجد این دو شهر مقدس می‌دادند. در عوض، صدقه و خیرات به افراد مستمند و ارائه آموزش‌های مذهبی لازم به آن‌ها، تنها ۸۴۷/۰۰۰ ک. هزینه داشت و علمایی که با دو مجموعه کعبه و مسجد النبی همکاری نداشتند، کسانی که برای مقاصد دیگری به عبادت می‌پرداختند و مؤسسات خیریه ای مانند بیمارستان‌ها تنها ۴۴۸/۰۰۰ ک. دریافت می‌کردند.<sup>۱۲</sup>

منبع تأمین جوه، در درجه اول خزانه‌داری دولت مرکزی و خزانه اوقاف بود. متأسفانه تفکیک هدایای اوقاف، از هدایایی که مشترکاً با خزانه سلطنتی اهدا می‌شد، غیر ممکن بود. هدایای مشترک، به‌ویژه آن‌هایی که سلاطین پیشین اعطا کرده‌اند و درآمدهای اوقاف که به سور اختصاص داده شده بود ۲/۱۲۲/۴۸۴ ک. از ۳/۵۰۰/۰۰۰ ک. را تشکیل می‌داد که این منابع با مجموعه هدایای خزانه امپراتوری، خزانه شخصی سلطان، خزانه حرمین شریفین و حواله‌هایی که در ولایت سور به ثبت می‌رسید و بعدها خزانه ایالتی سوریه، خود پرداخت آن را تقبل می‌کرد، تکمیل می‌شدند.<sup>۱۳</sup>

جوه سور به دو شکل به حجاز می‌رسید؛ در صورت نخست، حدود دو سوم آن به صورت نقدی و همیان‌های پر از سکه‌ای بود که از استانبول به مکه و مدینه ارسال می‌شد و در صورت دوم، حواله‌هایی بود که در سور به چاپ می‌رسید.<sup>۱۴</sup>

دفاتر ثبتی و بایگانی، اطلاعات هر یک از هزینه‌ها؛ از قبیل مقدار، منبع و مقصود هر نوع هدایایی را که به شهرهای مقدس مکه و مدینه ارسال می‌شد را در خود نگاه می‌داشتند.<sup>۱۵</sup> بخش زیادی از مبلغ ۸/۰۰۰/۰۰۰ ک. مختص به سور، خارج از مکه و مدینه هزینه می‌شد.

بیش ۴/۰۰۰/۰۰۰ ک.ک. در نقل و انتقال سور، دریافت محمل‌های سوری و زائران استانبولی - که از راه دمشق می‌آمدند - به مصرف می‌رسید. سه مورد دیگری که نشان می‌دهد هزینه‌های مربوط به سور، در خارج از مکه و مدینه به مصرف می‌رسیدند، عبارت‌اند از:

۳/۶۰۰/۰۰۰ ک.ک. برای تهیه و تدارک اسباب و ملزومات سفر زیارتی.

۱/۲۴۵/۰۰۰ ک.ک. که به بادیه نشین‌ها پرداخت می‌شد.

و ۵۲۳/۲۵۰ ک.ک. که مربوط به هزینه‌های سرپرست سور یا سور امینی بود.<sup>۱۶</sup>

به سبب تغییر وضعیت ارتباطات و روش‌های حمل و نقل و همچنین کسری بودجه دولت مرکزی، نیاز به صرفه‌جویی و تغییر برنامه‌های مالی به عنوان امری مهم در رأس برنامه‌ها قرار گرفت.

ایوب صبری پاشا بعد از مطالعه هفت ساله‌اش بر مخارج و هزینه‌های حجاز، تقلیل مخارج را امری ممکن و به عنوان کمکی به خزانه دولت مرکزی پنداشت.

ابوالهدی صیاد،<sup>۱۷</sup> مشاور مذهبی سلطان عبد الحمید دوم، که بر کتاب «تاریخ حجاز» تألیف ایوب صبری، پیشگفتاری تحسین بر انگیز نگاشته بود، از تلاش‌های وی در جهت تقلیل مخارج حجاز حمایت می‌کرد.

ایوب صبری تخفیف مخارج سور را نقطه‌ی آغاز تصمیماتش قرار داد و در این راستا ۱۵۰/۰۰۰ ک.ک. از دستمزد و حقوق سور الامینی کاست.

با آمدن سیستم ارتباطی تلگراف و ایجاد امکان حمل و نقل دریایی، بسیاری از مخارج دیگر سور نیز از بین رفت. دیگر لازم نبود برای ارسال دفاتر ثبتی، به انتظار بازگشت کاروان‌های شتر نشست و همچنین با توسعه حمل و نقل دریایی، کارگرانی که مأمور ارسال عطر به حجاز بودند، می‌توانستند در جای دیگر و به شکلی مفیدتر به کار گرفته شوند.

صورت اجرایی برنامه‌های پیشنهادی صبری، در جهت تقلیل مخارج، بدین شکل بود که او مبلغ ۳۵/۰۲۳ ک.ک. را در اختیار امیر مکه قرار داد تا از آن منبع برای خرید اسب و زین استفاده نماید و بدین شکل دریافت محمل را محدود نمود<sup>۱۸</sup> و مبلغ ۱۸۰۰۰ ک.ک. را که در هزینه‌های سور الامینی جهت پذیرش میهمان<sup>۱۹</sup> و ۲۴/۰۰۰ ک.ک. را که به جهت ارسال بخورات منظور شده بود، اسرافکارانه عنوان کرد و از پرداخت این مبالغ امتناع ورزید. جلوی

هزینه‌هایی که سور الامینی جهت خرید زمین‌های غیر مسکونی، برای برپایی خیام در نظر داشت، ایستاد و این موجب شد که حداقل مبلغ ۱۸۷۵۰ ک. پس انداز شود.<sup>۲۰</sup>

ایوب صبری در راستای تحقق آرمانش - که تقلیل و تخفیف هزینه‌ها بود - حتی از پرداخت هزینه‌های جزئی (۱۸۷۵ ک.) که صرف ساخت جعبه‌های مخصوص عطر می‌شد نیز امتناع ورزید.<sup>۲۱</sup>

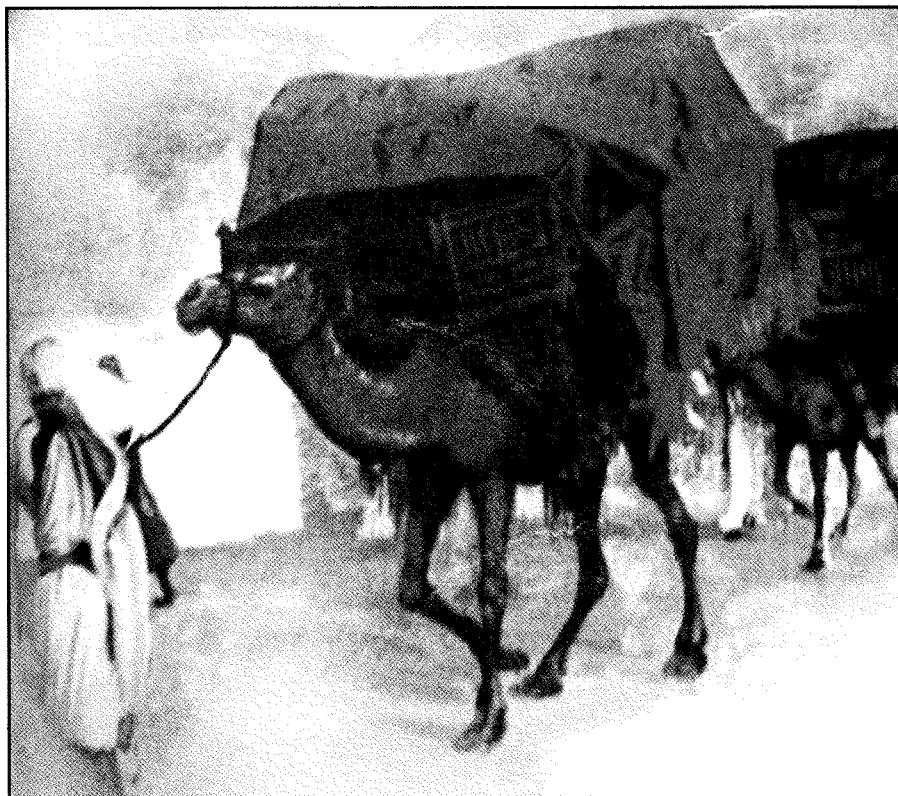
به غیر از هزینه‌های سور، دومین مورد دیگری که تخفیف در هزینه‌های آن امکان پذیر می‌نمود، کمک ۳/۰۰۰/۰۰۰ ک روسی به دستگاه‌های ذی ربط آماده‌سازی اسباب سفرهای زیارتی بود. او پیشنهاد کرد که ۱۱۱/۰۰۰ ک. از این مبلغ که با تقلیل مخارج در ۱. دستمزد کارمندانی که در امر زیارت دخیل‌اند ولی ساکن دمشق هستند و به مسافرت نمی‌روند.<sup>۲۲</sup>

و ۲. تقلیل ۶۳/۰۰۰ ک. از هزینه‌ای که صرف اجاره شتر برای حمل و نقل حیوانات و غلات از مضیرب در جنوب شرقی دمشق به مدائن صالح در شمال حجاز می‌شود. پس انداز شود.

از نمونه‌های بازار اسراف در هزینه‌ها، ارسال ردا و لباس‌های پوستین‌تزیین شده برای علمای حجاز بود که با توجه به گرمای سوزان حجاز، کاری بس بیهوده و عبث می‌نمود که هزینه‌ای به مبلغ ۷۰/۰۰۰ ک. را نیز در برداشت و صبری پاشا توانست جلوی این هزینه را بگیرد.<sup>۲۳</sup>

پول‌هایی که به قبایل بادیه نشین ساکن در سوریه و شمال حجاز پرداخت می‌شد، بیشترین بخش بودجه و هزینه را شامل می‌گردید و این سومین موردی بود که صبری در آن امکان پس انداز دید.

به کمک‌هایی که پیش‌تر برای قبایل صخر، رولا، ولد علی، عنیزه، حسن و بادیه نشینان نزدیک مضیرب فرستاده می‌شد، مبلغ ۴۴۰/۰۰۰ ک. افزوده شده بود و این قبایل سالیانه مبلغی معادل ۱/۲۴۵/۰۰۰ دریافت می‌کردند که ایوب توانست ۱۰۰/۰۰۰ ک. از آن را کسر و پس انداز نماید.



### اصلاحات در شهادتنامه و اکرامیه

مؤسسات خیریه پادشاهی در حجاز و دیگر مناطق امپراتوری، دست‌اندر کار تهیه شهادتنامه و اکرامیه بودند.<sup>۲۴</sup> هزینه‌های شهادتنامه، از عشر مالیات بر درآمد کارکنان گارد دولتی تأمین می‌شد. در حجاز دویست و نود و نه نفر واجد شرایط دریافت وجوه از این طریق بودند که از آن میان؛ اشراف، سادات، خطیبان، مدیران سازمان‌های خیریه، خادمان حرمین شریفین و عابدان شهرهای مقدس بودند.

تخفیف در هزینه‌های شهادتنامه به چند صورت انجام گرفت:

در مالیه سال ۱۲۹۹ / ۱۸۸۲ - ۱۸۸۱

شورای دولت بودجه شهادتنامه را از ۷۵۰/۰۳۴/۰۷ ک.ک. به ۵۵۰/۹۸۸/۴ کاهش داد.<sup>۲۵</sup>

علاوه بر این، بخشی از مبلغ شهادتنامه که در خارج از مکه و مدینه برای افراد صرف



می‌شد، از این به بعد کسر گردید. این مبلغ در ابتدا چیزی نزدیک به ۷۷۵/۲۵۰ ک. که بیش از یک سوم آن؛ یعنی حدود ۲۸۶/۷۲۰ ک. آن کسر گردید.<sup>۲۶</sup>

بعد از مدتی، دولت مرکزی متوجه شد که برخی با وارد کردن اسامی جعلی در دفاتر ثبتی یارانه، اقدام به گرفتن یارانه می‌کنند و یا افرادی که مستحق دریافت یارانه نیستند، اقدام به اخذ آن می‌نمایند و بعد با فروش امتیاز خود به کارگزار دولت در استانبول، به مال اندوزی می‌پردازند. در این راستا دولت مرکزی در صدد برآمد تا جلوی مفاسد و تخلفات و تقلب‌ها را با ایجاد روشهای جدید توزیع یارانه بگیرد.

بعد از سال ۱۸۸۲ برای کسانی که در مکه و مدینه یارانه دریافت می‌کردند، تذکره‌هایی ترتیب دادند که در بردارنده‌ی اطلاعات شخصی دریافت کننده؛ از قبیل نام، سن، وزن، رنگ چشم و... بود<sup>۲۷</sup> و افرادی که شهادتنامه در یافت می‌کردند، از دریافت اکرامیه (کمک دولتی) در همان زمان محروم می‌شدند.<sup>۲۸</sup> برطبق روش‌های جدید توزیع یارانه، به کارمندان خزانه ولایت حجاز، کودکان خردسال، برده‌ها، خدمتکاران و بازرگانان، یارانه تعلق نمی‌گرفت.

تخفیف‌های همگانی که در اکرامیه و شهادتنامه اعمال شد، به میزان برابر برای ساکنان مکه و مدینه و دیگر گروه‌های اجتماعی اجرا می‌شد. حتی حقوق پانزده نفر از اشراف، سادات، ائمه و خطیبان، که هدایا و وجوه خود را از امیر یا نسبتاً به‌طور مستقیم از کارمندان عثمانی در یافت می‌کردند، از ۵۵۰۰ ک. به ۳۶۶۰ ک. تقلیل یافت.<sup>۲۹</sup>

### ترمیم سامانه آبرسانی مکه

در واقع علل ورشکستگی دولت عثمانی در دهه‌ی هفتاد قرن نوزدهم را می‌بایست در تلفیق درآمدهای معین و هزینه‌های فزاینده غربی کردن نیروی نظامی و جنگ بررسی کرد. ورشکستگی و مشکلات مالی دولت عثمانی در حجاز، به‌صورت بسیار چشمگیری خود نمایی می‌کرد. به‌واسطه مصایب مالی بود که دولت عثمانی مسئولیت مرمت یا احداث هیچ بنای جدیدی را عهده دار نمی‌شد و حتی به‌رغم این که سفرهای زیارتی شریان حیات حجاز بود، در تسهیل شرایط سفرها و بهبود اوضاع امنیتی و سلامت زائران در طول مسیر سفرشان هیچگونه خدمات مناسبی ارائه نگردید.

از دوران حکمرانی امیر عبد الله محمد بن عون (۱۸۵۷-۷۷) هیچ گزارشی از ترمیم یا

احداث ساختمان‌های اصلی در دست نیست. گرچه کار ناتمام ترمیم برخی از اماکن بین سال‌های ۱۸۸۱-۱۸۷۸ به پایان رسید ولیکن این به سبب حضور والی فعال جدید عثمانی، عثمان نوری پاشا بود که پویایی خود را در شروع فعالیت‌های ساختمان‌سازی نشان داد.<sup>۳۰</sup>

عثمان نوری در نخستین سال حکومتش به مرمت و گسترش مدرسه داوودیّه، تعریض دروازه ابراهیم و مرمت دروازه عالی مکه پرداخت و بعد از فراغت از این اعمال، مسیر دروازه ابراهیم به کعبه را تعریض و تعمیر نمود.

او کتابخانه‌ای را که سلطان عبدالمجید دوم در سال‌های ۴۶-۱۸۴۵ احداث کرده بود، به مدرسه سلیمانیه منتقل نمود.<sup>۳۱</sup>

در سال ۳-۱۸۸۲ عثمان با همکاری امیر عون الرفیق تعمیرات جزئی در حرم انجام داد. وی همچنین یک عمارت دولتی و یک پایگاه شهربانی احداث کرد. به مرمت پادگان طائف پرداخت و نیز مقری را برای توپچی‌های مکه ایجاد نمود.<sup>۳۲</sup> اغلب اعمالی که در مکه و حجاز صورت می‌گرفت، در جهت تقویت بنیه نظامی قرار داشت و بیشتر بودجه را به این مهم اختصاص می‌دادند.

در سال ۱۸۸۲ والی توجه خود را به ترمیم سامانه‌ی آبرسانی مکه معطوف کرد. تقریباً نیمی از آب مصرفی مکه از چشمه‌ای بنام «عین زبیده» تأمین می‌شد. مجاری آبی عین زبیده بکار در سال‌های ۷۱-۱۷۷۰ و ۲۰-۱۸۱۹ ترمیم شده و در سال ۴۷-۱۸۴۶ با افزودن چاه جدیدی توسعه یافته بود.<sup>۳۳</sup>

در سال ۱۸۷۸ شیخ بلند نظر، عبدالرحمان سراج، مفتی حنفی مذهب مکه با به کارگیری زائران هندی و بادیه نشینان، تا اندازه‌ای سامانه آبرسانی مکه را تعمیر نمود. پیرو این مسأله، سلطان برای استحصال میزان بیشتر آب، کمیته‌ای را به ریاست شخص عبدالرحمان سراج، به منظور نظارت بر تعمیرات اساسی عین زبیده در محرم سال ۱۲۹۶/دسامبر ۱۸۷۸- ژانویه ۱۸۷۹ تشکیل داد.<sup>۳۴</sup>

به خاطر کسری بودجه دولت مرکزی، کمیته هیچ کمک مالی ای از دولت درخواست نکرد و توانست هزینه تغییرات برنامه‌ریزی شده را از محل کمکهای مسلمانان متمول حجاز، مصر و هند ۲/۴۰۰/۰۰۰ تأمین نماید.<sup>۳۵</sup>

کمیته سامانه آبرسانی، با تعمیر مجاری عین زبیده و انتقال آب به وسیله لوله‌های زیر

زمینی از وادی نمن و حنین به طرف مکه، تغییرات اساسی‌ای را در جهت بهبود شبکه آبرسانی معمول داشت. به سبب این که شبکه جدید آبرسانی، توانایی تأمین ۵/۰۰۰/۰۰۰ اکا آب در هر دقیقه را برای مکه اشت<sup>۳۷</sup> و آب انبارها و مخازن موجود، ظرفیت نگهداری این حجم آب را نداشتند و همچنین به دلیل تغییر مسیر کانال‌ها، هیأت مسئول، به ایجاد مخازن و آب انبارهای نویناد در تمام سطح شهر پرداختند.

## انجام

یارانه‌های دولت مرکزی عثمانی به حجاز، در مقایسه با درآمد محلی که به دست می‌آورد، بسیار بیشتر بود، اما به نظر نمی‌آید که والی عثمانی در مبارزات سیاسی‌اش با امیر، از وابستگی اقتصادی حجاز به دولت مرکزی به عنوان برگ برنده یا سلاحی در برابر او استفاده کرده باشد.

بیشترین یارانه‌ای که به ایالت حجاز پرداخت می‌شد، برای تقویت بنیه نظامی هزینه می‌شد که می‌توانست پشتوانه‌ای برای والی باشد.

کممک دیگر دولت عثمانی، به سلسله مقامات روحانی و شیوخ مساجد شهرهای مقدس بود که البته به منظور جلب حمایت افراد متقی حجاز و دیگر مناطق انجام می‌شد.

اصلاحاتی نیز در رابطه با محدود کردن و یا شاید از بین بردن اسراف و فساد در روش پرداخت یارانه‌ها صورت گرفت که موفقیت‌هایی نیز به دست آورد؛ مثلاً با ابداع روش تذکره‌ها، برخی از تخلفات آشکاری که صورت می‌گرفت تصحیح شدند.

و سرانجام، شبکه آبرسانی «عین زبیده» پیشرفت قاطع دولت عثمانی در مکه را نشان داد. اما نباید این مسأله را از نظر دور داشت که افتخار پیشگامی در ارائه پیشنهاد و مسؤولیت تأمین هزینه انجام پروژه، از آن دولت عثمانی نبود.

(انستیتو پلی تکنیک)

ویرجینیا - بلکزبرگ، ویرجینیا

VIRGINIA POLYTECHNIC INSTITUTE

BLACKSBURG, VIRGINIA

## پی‌نوشت‌ها:

۱. France.Ministere des affaires Etrangeres.Turquie.Politique interieure.Arabie.Yemen-Pelerinage de la Mecque I.J.Querry(jidda) to Hanotaux.۱۰ August ۱۸۹۶
  ۲. توضیح در مورد هدایایی که از مصر دریافت می‌شده، خارج از چارچوب و گنجایش این نوشته است، اما این را باید در نظر داشت که این هدایا بخش مهمی را به خود اختصاص می‌دهند. برای آگاهی بیشتر از این موضوع، ر.ک. به: ابراهیم رفعت پاشا، مرآت الحرمین، (قاهره، مطبع دارالکتب المصریه ۱۳۴۴/۱۹۲۸)
  ۳. منابع درآمدی غیر رسمی در کتاب  
I,۱۶۴-۵ (The Hague:Martinus Nijhoff, Mekka Hurgronge, C.Snouk (۱۸۸۸)  
آمده است.
  ۴. سالنامه ولایت حجاز در سال ۱۳۰۱ (مکه، ولایت حجاز ۱۳۰۱/۱۸۸۶-۱۸۸۵) صص ۱۷۴-۱۶۸
  ۵. سالنامه ولایت حجاز در سال ۱۳۰۱، صص ۱۸۰-۱۷۸
  ۶. سالنامه ولایت حجاز در سال ۱۳۰۱، صص ۱۷۵. موضوعات مشابه در باب انواع دیگر مخارج امنیت داخلی در بودجه ولایت سوریه را می‌توانید در Vilayet of Syria budgets, Najib E.Saliba, Wilayar (۱۸۷۵-۱۹۰۹-Sûriyyâ unpublished PH.D dissertation, University of Michigan) pp ۳۵۵-۳۶۷ ببینید.
  ۷. سالنامه ولایت حجاز در سال ۱۳۰۱، صص ۱۷۳
  ۸. سالنامه ولایت حجاز، صص ۱۶۹
  ۹. سالنامه ولایت ۱، صص ۱۷۱
  ۱۰. ایوب صبری پاشا، اطلاعات مالی را تهیه کرده، مرآت الحرمین، بخش ب، مرآت المکه (استانبول ۱۳۰۶/۱۸۸۸) (از این پس، از این منبع با عنوان صبری یاد خواهد شد) صص ۷۱۷-۶۸۵، در متن تاریخ‌گذاری نشده. براساس دلالت‌های درونی متن، احتمالاً صبری پاشا در سال مالیه ۱۲۹۷/۲-۱۸۸۱ در ۱۳۰۶ ه.ق. ۹/۱۸۸۸ یا حوالی همین زمان‌ها فرستاده است. این بیشتر نزدیک به اطلاعات سالنامه حجاز می‌باشد.
  ۱۱. صبری، صص ۶۹۱
- به نظر می‌رسد صبری در باره هدایای مکه و مدینه سر در گم شده است. ارقامی که برای سور در صفحه ۶۹۴ آمده، حدود ۲/۹ میلیون ذکر شده ولی او در جای دیگر، صفحه ۶۹۱ می‌نویسد: مکه و مدینه به ترتیب ۱/۰۷۴/۸۶۵ و ۲/۴۱۶/۷۰۱ دریافت می‌کردند. احتمالاً وجود عدم تطابق بین ارقام، به خاطر وجوه تکمیلی است که خارج از بودجه پرداخت شده بود، اما این نکته به صراحت در متن آورده نشده است.
۱۲. مجموعه شخصی نگارنده بر پایه اطلاعات کتاب «مرآت الحرمین» اثر صبری، صص ۹۰-۶۸۷

۱۳. همانجا، صص ۶۹۰-۶۸۷
۱۴. همانجا، صص ۶۹۰-۶۸۶
۱۵. همانجا، صص ۴-۶۹۳
۱۶. صبری، صص ۵-۶۹۴ و ۷۱۷. ممکن است که این موارد همپوشی کرده باشند. احتمالاً به سبب وجود منابع گوناگون مالی و وکانال‌های مختلف تخصیص هزینه‌های بودجه حجاز نابسامانی‌هایی در حساب‌ها رخ داده است.
۱۷. ابوالهدی الصیاد (۴-۷-۱۹۳۷) تشکیل دهنده زاویه صیادی حلب هنوز مورد مطالعه مفصل قرار نگرفته است. بیشتر ارجاعات اخیر از: ال. هرزویج، سلطان و خدیو ۱۹۰۸/۱۸۹۲، مطالعات آسیای شرقی، ۷، ۳ (اکتبر ۱۹۷۲) صص ۳۰۴ می‌باشد.
۱۸. صبری، صص ۱۰-۷۰۸
۱۹. همانجا، صص ۷۱۱
۲۰. همانجا، صص ۷۱۳
۲۱. همانجا، صص ۷۱۱
۲۲. همانجا، صص ۱۵-۷۱۳
۲۳. همانجا، صص ۷۱۵
۲۴. دربارهٔ اکرامیه سال ۱۸۰۵ در Richard Burton, Personal Narrative of a Pilgrimage to al [Medinah and Meccah (London, Tylston and Edwards, ۱۸۹۳) ۱۱.۷ شده است.
۲۵. صبری، صص ۶۹۸
۲۶. همانجا، صص ۷۰۴-۶۹۷
۲۷. یک نمونه از تذکره در همانجا، صص ۷۰۴ آمده است.
۲۸. همانجا، صص ۷۰۶
۲۹. همانجا، صص ۷۰۱-۶۹۹
۳۰. عثمان نوری پاشا، از سوی عثمانی مسئول دو جانبه‌ای در حجاز بود، حتی زمانی که احمد عزت از سال ۱۸۸۰-۱/۱۲۹۸ تا ۱۸۸۱-۲/۱۲۹۹ والی حجاز بود، عثمان از ژوئن ۱۸۸۲ تا دسامبر ۱۸۸۶ رسماً والی حجاز بود (سالنامهٔ ولایت حجاز، صص ۴۰۴؛ اسنوک هارگریج، مکه، ۱۷۶، ۱).
۳۱. سالنامهٔ ولایت حجاز، صص ۲۲؛ صبری، صص ۹-۷۷۶
۳۲. سالنامهٔ ولایت حجاز، صص ۴۱، ۲۳؛ صبری، صص ۲-۷۸۱
۳۳. صبری، صص ۸-۷۴۷
۳۴. صبری، صص ۷۵۰؛ سالنامهٔ ولایت حجاز، صص ۱۰۷ سرپرست کمیته در سال ۱۸۸۳/۱۳۰۱-۱۸۸۴ پسر

امیر قبلی، شریف حسین بن شریف یحیی بود. صادق بیگ، که یک افسر عثمانی بود، مسائل مربوط به ترمیم را سرپرستی می کرد. نگاه کنید به سالنامه حجاز، صص ۵-۱۲۴

۳۵. اسامی برخی از اهدا کنندگان در صبری، صص ۲- ۷۵۰ آمده است. به خصوص روزنامه مصری الجوائب در تأمین اهدایه ها بسیار فعال بود. بقیه تغییرات شبکه آب رسانی عین زبیده در سال ۸-۱۹۰۶ تکمیل شد که هزینه های آن نیز از طرف مسلمانان جهان اعطا شد. بریتانیای کبیر، دفتر خارجی ۹۵/۲۲۲۴ م. حسین (جده) به آکابر.. ۲۵ جولای ۱۹۰۶

۳۶. یک اکای مصری که در جده کاربرد داشت، نماینده میزانی برابر با ۱۰۵۰ گرم بود.

۳۷. صبری، صص ۸-۷۵۴